

متن پرسش

صحبتی است میان من و حاج قاسم از افق هایی که به روزنه بدل شد، اشک هایی که به قندیل هایی یخ زده و چرکین بدل شد، آه هایی که به باد های سرد زمستان بدل شد، حال به او می گویم سردار دلم! کجایی؟ دلم برایت تنگ شده. بگویم «بادۀ آلت». هُشیاری من بگیر و مستم بنما. سرمست ز بادۀ الستم بنما. بر نیستیم فزون کن از راه گرم. در دیده خود هر آنچه هستم بنما» و به خود بگویم «فنا. صوفی! به ره عشق صفا باید کرد. عهده ای وفا باید کرد. تا خویشنتی، به وصل جانان نرسی. خود را به ره دوست فنا باید کرد» خدایا مرا ببخش اگر لحظه ای هم غر زدم خلاصه که «بسم الله الرحمن الرحیم» همین کافیت برای این که بگویم همه چیز فدایت ای خدا آری! «بسم الله الرحمن الرحیم» ببخش اگر که دل نسپر دم به تو، ببخش رهایی خودت را به من، ببخش و دلم را سپرده خودت کن. «رها باید شد! از هستی خویشتن رها باید شد. از دیو خودی خود جدا باید شد. آن کس که به شیطان درون سرگرم است. کی راهی راه انبیا خواهد شد»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: از حاج قاسم عزیز گفتید و روحی که جانها را متذکر راهی کرد که تنها راه سعادت در این زمانه است و زیبایی قضیه آنجا است که هرکس به دشمنان انسانیت بخصوص به آمریکا و اسرائیل نزدیک شود، بیش از پیش از حاج قاسم دور و دورتر می شود و اینجا است که می توان گفت شهید حاج قاسم سلیمانی ما رازی شده است برای تشخیص حق از باطل. و دیدید که جان مردم چه اندازه در نسبت با او به خود آمدند و می بینیم که چه اندازه بعضی ها با دوری از ایشان آنچنان از خود بیگانه می شوند که آرزوی آنها حاکمیت اسرائیل است بر ملت ما. اینجا است که می فهمیم اگر نسبت خود را با این مرد با جدیت تمام معنا نکنیم، بی معناترین انسانها خواهیم شد به همان معنایی که در آخرین بیت متذکر شدید: « آن کس که به شیطان درون سرگرم است . کی راهی راه انبیا خواهد شد». امروز شیطان درون همان امیدواری به وعده های دشمن است و راه انبیا، امیدواری هرچه بیشتر به آینده انقلاب اسلامی می باشد که در منظر ایمانی رهبر معظم انقلاب به ظهور آمده است. موفق باشید